

غلامعلی حداد عادل، از نمایشگاه آثار ایرانی و خارجی گنجینه با عنوان «مسافران بر لبین ورم» در موزه هنرهای معاصر تهران دیدن کرد. به گزارش مهر در این نمایشگاه که تا ۲۶ خردادماه امسال ادامه دارد، ۳۰ اثر خارجی و ۳۱ اثر ایرانی گنجینه‌موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش گذاشته شده‌است. در این نمایشگاه آثار از یابالوپیکاسو، پل گوگن، رابرت مارجرول، جکسون پالاک، مارک روتکو، پرنیژ تاولی، کاظم چلیپا و… به نمایش درآمده‌است.

نگاهان شعر
<div>• • •</div>
رضا افشلی
<div></div>

گفتم که چشمه را

با گرد و لای رنج ناپایم

تا گافوج ماهی گلگون

از موج‌های آبی اندیشه‌ام گذشت

گفتم که م‌ه‌ا‌ر

آسوده بنگرم

دیدم که دسته‌های سیه‌پوش

تابوت نقره را

در ماهتاب غمزه تشییع می‌کنند.

رقتم کنار پنجره دیدم

خودشید در اجاثی شفق

دود می‌کند.

به‌مهدی اخوان ثالث

بر که‌ای شفاف چون صبحی زلال

رفسگاه ماهیان رنگ رنگ

تا به‌عمیق زلالش آشکار

دژه دژه ریگ ریگ و سنگ سنگ

در میان گله‌های ماهی اش

می‌در خشد ماهی گلفام من

هر زمان توری به راهش افکنم

می‌گریزد با شتاب از دام من

تور من سنگین بر آمد بار ها

دل به‌رقص آمدن شوق و شور خویش

تا کشیدم با امیدش روی خاک

از وزغ لبریز دیدم تور خویش

یاس می‌گوید که دندان طمع

بر کتم از ماهی و دور افکنم

تا به‌گوید که صد بار دگر

آز به چنگش آورم تور افکنم.

زآن بیشتر که بشکند شاخه‌م‌را

و بر آتشم حلقه زنید

باید یقین کنبد

چراغ میوه هام

ذاقت‌ای را روشن نمی‌کند

و سایه‌سار ندارم

دوست دارم

پرند‌ای فراری

در برگ‌های من

آشیا نه بسازد

از چوب‌ب‌گهوار ه بسازبد

نه تابوت.

از من کبریتی بسازبد

که فنبله‌زندی را روشن می‌کند.

ریشه‌ام را در خاک باقی گذاربد

تا از خانه همسایه

سر برآور.

میان خیمه مجنون و خیمه لیلی

مسافتی ست که چون طول آه کوتاه‌است

چه رفته‌است که عاشق در این ره نزدیک

چو باد می‌روا اما هنوز در راه‌است

به قهوه خانه خود «داش آقا»

کند هر روز چای را مهیا

بُود آن قهوه خانه، در سربای

که باشد مدخل آن تنگ جایی

به دلانش برای لاغر و چاق

نماید کشش هار اُچت که بزاق

به بعداز ظهر، ج‌ار می‌کند تنگ

حضور لاهل فضل و اهل فرهنگ

به پاتوق وعده دیدار آن هاست

محل عرضه اشهار آن جاست

چو آبد شاعری از دور، مهمان

نویسد شعر خود را بآید یاران

برای شاعران کهنه و نو

مردیانی بُود در آمد و رو

شود خواهش که شاعر افتخاری

نویسد شعر خود را بآید یاران

شکوفد بحث‌های روی رو رو

کنار چای داغ «قندپهلو»

تبادل می‌شود رنگین خبر ها

ز بُردل ها و خیل جگر ها

بُود بر میز هاوغوغای قلیان

نی بیچش شود در جمع چرخان

کتاب تازه چاپ و نوخریده

زند دور و شود با دیده دیده

برای خواندن اشعار تازه

درین جا هر کسی دارا اجازه

به گوش آید چو یک تعبیر زیبا

به پای می‌گرد از آهت، غوغا

سماور های «داش آقا» زُند جوش

رسد فریاد آن ها گاه بر گوش

چو آبد شاعری گوید سلامی

بر انگیزم به هر سبب قیامت

کند جمعی گذر از تنگ دالان

شود وارد به سیلاب خیابان

شود جاری گروهی را در گاه

شود در فیلم‌های تازه آه ها

گروه شاعران جوینده در ارگ

شود چرخند و پیونده در ارگ

یکی «شالی» و دیگری «لا‌های»

به جوی رهگذر کارگردم‌ها

چو «آ‌گاهی»، «کمال» آید به آن جا

که باشد جای او در انجمن ها

نهد در «باغ‌ملی» بار فیقان

قرار «متن خوانی» را فر اوان

نگاهی به زندگی و آثار لیلی حلبی

راوی تضادها

محمد جواد استادی
Ostadi.muhammad@gmail.com

بر خلاف تصور عمومی بسیاری از ما، ادبیات مدرن و معاصر جهان عرب بسیار پیشرو و درخشان است. نویسندگان نسل جدید تحولاتی جدی در حوزه ادبیات داستانی عربی به وجود آورده و زمینه‌های رشد فرهنگ عربی را ایجاد کرده‌اند. مسئله مهاجرت به آمریکا یا اروپاییکی از جدی‌ترین مسائل جاری در کشورهای عربی است که به دلایل مختلف پدید آمده است. این مهاجرت‌ها خود به خود بر خیلی مسائل فرهنگی و قومی را به وجود می‌آورد که به درستی از سوی گروهی از همین نویسندگان مهاجر عرب تحلیل شده‌است. به گونه‌ای که بحث بزرگی از آثار نویسندگان ادبی عرب که به مهاجرت کرده‌اند، به تعارض‌های فرهنگی اختصاص دارد. در این میان نویسندگان از جایگاهی ممتاز و ویژه را به خود اختصاص داده‌اند. از جمله این نویسندگان موفق می‌توان از لیلی حلبی نام برد. در ادامه این نوشتار مروری کوتاه بر زندگی و آثار او خواهیم داشت.

لیلی حلبی،نویسنده و رمان‌نویس زن معاصر عرب آمریکایی است که با وجود آثار اندک خود، اعتبار مناسبی را در فضای ادبی کسب کرده است. زندگی و تجربه‌های زیستی او متنوع و متنکر بوده‌و این خود در آثار ادبی‌اش مؤثر واقع شده‌است. حلبی در شهر بیروت و از پدری اهل اردن و مادری آمریکایی متولد شده است. هر چند بیشترین دوره رشد او در آریزونا گذشته است اما در تمام این سال‌ها بخش‌های دیگری از ایالات متحده و کشورهای همچون ایتالیا و خود را نیز به دلیل سفرهای خانواده، محل زندگی او بوده‌اند.

تحصیلات حلبی نیز جالب توجه و متنوع است. او ضمن آن که دارای مدرک معتبر دانشگاهی در حوزه مشاوره است، تحصیل در زمینه ادبیات را نیز در برنامه کاری خویش قرار داد، به گونه‌ای که مدرک کارشناسی‌اش را در رشته‌های ادبیات عربی وایتالیایی کسب کرد و همچنین موفق به دریافت کارشناسی ارشد در رشته ادبیات



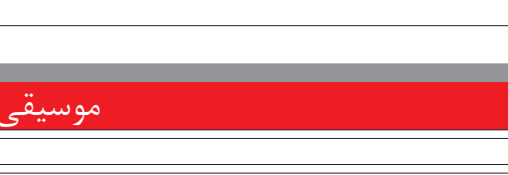
بازدید حداد عادل از نمایشگاه «گنجینه»

موزه هنرهای معاصر تهران

از نظر حلبی ادبیات داستانی می‌تواند به حذف این ذهنیت‌ها و برقراری ارتباط مردم با شخصیت‌های داستانی و در نتیجه اصلاح نگرش آن‌ها کمک کند. حلبی با یک مرد فلسطینی از دواج کرد که حاصل این ازدواج دوسر است. حلبی می‌گوید با آن که سبک زندگی آن‌ها بسیار آمریکایی است اما تلاش می‌کنند تا میراث عربی خویش را حفظ کنند و جامعه عربی واقعی را به فرزندان خود نشان دهند.

حلبی موفق به اخذ یک فرصت مطالعاتی از دانشگاه واشنگتن شد و همین فرصت مطالعاتی زمینه‌آشنایی بیشتر او را با فرهنگ فلسطین فراهم کرد. لیلی حلبی پس از تجربه‌های ادبی بر آنکهده خویش در سال ۲۰۰۳ میلادی، زمانی را با نام «غرب اردن» منتشر ساخت. شخصیت اصلی این رمان یک زن عرب آمریکایی است که تلاش می‌کند میان دو جهان خود توازن و هماهنگی برقرار کند. نویسنده در این رمان، روایتگر زندگی چهار عموزاده در آستانه بلوغ است که مبارزاتشان در مسیر دوستی‌های آن‌ها و مبارزه برای هویت قومی، ملی و جنسیتی‌شان شکل گرفته است. موال درگیر زندگی خویش در کرانه غربی فلسطین است.

هلا دیگر شخصیت رمان درگیر عشقی از اردن تا آریزوناست. خدیجه دیگر دختر فلسطینی است که از آزادی و آزارهای جنسی در آمریکا وحشت زده است. ثریا نیز تلاش می‌کند تا بتواند یک زندگی آرام‌شاد بر برای خود در آمریکا که برایش غریبه به حساب می‌آید، ایجاد کند. ترکیب این چهار شخصیت، دریچه‌ای درخور توجه را به جهان غنی و پیچیده فرهنگ عربی باز کرد. رمان مهم دیگر این نویسنده که «روزگاری در سرزمین موعود» نام داشت، در سال ۲۰۰۷ میلادی منتشر شد. نویسنده در این رمان به رابطه جاسم و سلوی اهل بیابان‌های اردن می‌پردازد. این دو شخصیت در پی دست یافتن به رویاها و آرزوهای خود سرزمین مادری خود را ترک می‌کنند و راهی آریزونا می‌شوند. جاسم که هیدرولوژیست است، در پی این است‌راهی بیابد تا بتواند مشکل کم آبی را برای بسیاری از مردم حل کند، اما،



گروه مولانا با خوانندگی سالار عقیلی

در تالار وحدت

کنسرت خواننده مطرح موسیقی سنتی، هشتم

ار دییشت ماه در تالار وحدت برگزار شد، به گزارش

هنر آنلاین، شامگاه هشتمین روز ار دییشت ماه گروه

مولانا با خوانندگی سالار عقیلی و آهنگسازی محمد

جلیل عندلیبی روی صحنه رفت. تالار وحدت تحت

امتیاز موسسه فرهنگي -هنري "قفتوس" از این گروه

و علاقه‌مندان موسیقی سنتی استقبال کرد. حاضران

پس از شنیدن صدای زنگ تالار، وار دسالن شدند. زمان

زیادی نگذشته بود که نور صحنه بیشتر شد و امیرحسین

رضاسالار عندلیبی روی صحنه حاضر شد و نوحا حاضران

این دو نوازنده را تشویق کردند. سپس یکی ساز تار و

دیگری تنبک را به دست گرفت. صدای دستگاه‌شورو

ابوعطاطین انداز شد. دقایقی بداهه‌نوازی تار و تنبک

توجه علاقه‌مندان این نوع موسیقی را در کارنامه خود دارد.

این گروه دو نفر ه جمعه شب با اجرای آثاری بی کلام از

موسیقی فلیه‌های کلاسیک سیمای جهان، همچنین به

شیوه‌ای اخلاقانه، یکی از قطعات ماندگار موسیقی ایرانی

به نام «جان مریم» را به سبک و سباق خود رکند کنسرت

اجرا کرد. کریستف توچکو از سال ۱۹۹۱ به مدت سه

سال کنسرت‌های سلو اجرا کرده است. او همچنین

اجراهایی را به عنوان مهمان با آکار تون، هارمونیکا،

پرکاشن و آثاری از جمله تاریخ ادبیات ایران، فنون

این نوازنده لهستانی از تکنیک واحد و دشوار تیپینگ دو

دستی (صدایی) که از ضرب انگشت به سیم ایجاد می‌شود)

استفاده می‌کند.



مستوره کردستانی اجرا شد. در ادامه ساز و آواز بیات طنین انداز شد و سپس به دشتی وارد شد. نوبت به تصنیفی با شعری از ابوالقاسم لاهوتی رسید. نواختن "میهن ای میهن" با صدای سالار عقیلی آغاز شد. نوا ی سازها با هم درآمیختند و با زیبایی به اوج رسیدند؛ اجرایی که تشویق جمعیت را در پایان با خود به همراه داشت. در ادامه آواز دشتی به شور فرو آمد تا نوبت به تصنیف "وطن خوش تر" با شعر محمد جلیل عندلیبی برسد. ساز آواز شور نواخته شد. نوازندگان با هماهنگی شروع به نواختن کردند و در انتها به دستگاه اصفهان رسیدند. آخرین تصنیف "در این عشق بمیرد" نام داشت. نوازندگان با صدای سالار عندلیبی، سائو اعدلیبی، سالار اعدلیبی و آراس رجبی اعضای گروه مولانا را بر سر پستی محمد جلیل عندلی، تشکیل می‌دادند.

خانه استاد همایی ؛ محفلی برای شعر اصفهان

نگهداری آن پویا باشیم اما دنبال آن را انگیریم. معماری ایرانی اسلامی دیگر در نقش شهر ما دیده نمی‌شود و هیچ نشانه‌ای از معماری سنتی ما در معماری امروز وجود ندارد، تاریخ گذشته فقط برای موزه‌ها نیست. همچنین مهدی جمالی نژاد با اشاره به اینکه در چشم انداز اصفهان ۱۴۰۰، اصفهان به شهری مبتنی بر دانش و دانایی، شهری طبیب، امین، سرسبز، خلاق و با نشاط تبدیل خواهد شد، اظهار کرد: اگر قرار است در چشم انداز اصفهان به این اهداف دست‌یابیم، لازم‌است رویکرد شهرداری اصفهان ضمن توجه به فعالیت‌در زمینه خدماتی، توجه به فعالیت‌در زمینه‌های خدماتی فرهنگی نیز باشد. فعالیت شهرداری‌ها در گذشته صرفا خدماتی بوده و بعد به فعالیت‌های خدماتی فرهنگی تبدیل شده است.

شهردار اصفهان با اشاره به فعالیت‌های عمرانی شهرداری در کنار فعالیت‌های فرهنگی، افزود: ما در حوزه عمرانی نیز جنبش جهادی‌مان را آغاز کرده‌ام، چنانکه در سال گذشته میزان سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی به ۱۰ برابر افزایش یافته‌است. جمالی نژاد با اشاره به اینکه اصفهان تنها به شهروندان

ادبیات و هنر



به مرور خطرات خود از سر درگمی هایش از مهاجرت، تضاد های فرهنگی و تلاش برای ساخت هویت می‌پردازد. کتاب، ریشه در هویت نویسنده اش در خاور میانه دارد و تجربه‌ای عربی آمریکایی از مبارزه برای حفظ هویت است. تاکنون برخی از آثار مهم حلبی در شش مجموعه گلچین ادبی که در ایالات متحده آمریکا منتشر شده، درج شده‌است که به‌طور عمده در حوزه‌های شعر و ادبیات کودک و نوجوان است. او همچنین مقالات خویش در حوزه ادبیات را در نشریات مختلفی چون واشنگتن پست منتشر می‌کند. حلبی که، حوزه ادبیات کودک و نوجوان فعال بوده، به تازگی بر این حوزه تمرکز بیشتری کرده‌است و احتمالا به زودی مجموعه‌ای داستانی مستقلی برای کودکان به قلم او منتشر خواهد شد.

او در این مجموعه نیز نقطه تأکید خود را بر افسانه‌های سرزمین فلسطین که حاصل سال‌ها مطالعه او در زمینه فرهنگ عامه بوده، قرار داده‌است. آخرین پروژه‌ای که حلبی مشغول کار روی آن است، مانی در باره یک سرباز آمریکایی است که پس از سه دوره فعالیت در کشور عراق به آمریکا باز می‌گردد. ایده نگارش این کتاب زمانی به ذهن حلبی رسید که به عنوان مدرس یک دوره آموزشی نویسندگی خلاق برای معلولان جنگی آمریکایی فعالیت می‌کرد. حلبی بارها گفته

عاشق روایت تضادها در جهان داستان است. روایت او از تضادهای فرهنگی کمکی بزرگ برای تلطیف برخورد های فرهنگی و روح ارتباطات میان فرهنگ‌ها به ویژه برای مهاجران عرب بوده‌است. باید امیدوار بود که ترجمه و انتشار آثار نویسندگان معاصر عرب کمکی بهتر برای شناخت دقیق تر ادبیات درخشان معاصر عربی باشد.

مطالعات و فعالیت های او از سوی دایره مبارزه باتروریسم ای‌آی مورد تهدید واقع می‌شود. سلوی نیز با رویا های خویش درگیر هماهنگ شدن با محیط جدید زندگی و مشکلات و مصائب آن است. جاسم در یک حادثه سنگین تصادف باعث مرگ یک جوان آمریکایی می‌شود و سلوی نیز درگیر سایه یک جوان آمریکایی شده است، زندگی آن دو در این شرایط به سمت نابودی و از هم پاشیده شدن حرکت می‌کند. «روزگاری در

سرزمین موعود» روایتی دراماتیک ونگاهی صادقانه به پیوند های فرهنگی است و ما را متوجه می‌کند که شاید باید با حساسیت بیشتری به پیوند های فرهنگی و است

پیوند و اتصال ها توجه کنیم. واشنگتن پست

این رمان را یکی از صدر مان برگزیده سال

۲۰۰۷ میلادی معرفی کرد و منتقدان ادبی

نیز از این رمان استقبال خوبی کردند.

از مهم‌ترین افتخارات حلبی دریافت جایزه

«کتاب باز پن» در سال ۲۰۰۴ میلادی بود

که باعث اعتبار بین المللی این زن نویسنده

شد.

حلبی یکی از کتاب های ادبی اش را با نام

«نام من بر زبانش» در سال ۲۰۱۲ میلادی

منتشر ساخت. این کتاب در قالب شعر است

و جنبه خاطره گوینی دارد. نویسنده در این اثر

آثار و تعدادی از وسایل زندنیاده همایون خرم

توسط فرزندان او، برای نمایش عمومی به گنجینه

موزه موسیقی ایران اهدا شد.

فرزین پیروزی، مدیر اجرایی موزه موسیقی

خبرنگار فارس گفت: رضا

و علی خرم، فرزندان استاد همایون خرم، تعدادی از وسایل

به یادگار مانده از این استاد موسیقی ایران را به گنجینه

موزه موسیقی اهدا کردند.

وسایل اهدا شده از این آهنگساز فقید به موزه موسیقی

ایران شامل آثار شنیداری، لوازم شخصی و مجموعه‌ای از

تصاویر مربوط به همایون خرم است.

بنابر این گزارش، دستور ساخت تندیس جدیدی از همایون

خرم نیز در دستور کار موزه موسیقی قرار گرفته است و

بعد ساخت، تندیس این استاد موسیقی ایرانی در کنار

تندیس‌های استادان عبادی، فنبری مهر و علیتی وزیر

قرار خواهد گرفت.

چندی پیش نیز وسایلی که از طرف خانواده‌های مهدی

خالدی و فریدون حافظی و بیژن ترقی به موزه موسیقی

اهدا شد، در گنجینه موزه موسیقی ایران برای بازدید عموم

به نمایش در آمد.



و استان اصفهان با ایران تعلق ندارد، بلکه متعلق به همه جهان است، گفت: توسعه شهر اصفهان را بدون حفظ میراث و رتقای فرهنگی آن نمی‌خواهیم و تا دو هفته دیگر نیز پنج پردیس در فرهنگ در این شهر جانمایی می‌شود و خوشحالم که امروز خانه استاد همایی به خانه شعر و فرهنگ اصفهان تبدیل می‌شود و امیدوارم شهر اصفهان را به جایگاه واقعی خودش که همان اسطوره شهر است، برسانیم. به گزارش ایسنا، در این مراسم حکم مدیریت خانه شعر و فرهنگ اصفهان از سوی شهردار اصفهان به دکتر اسماعیل آذر اعطا شد، طی این حکم مهدی جمالی نژاد، اسماعیل آذر را به مدت دو سال به مدیریت خانه شعر و فرهنگ اصفهان منصوب کرد.

گزارش



سیمین دانشور، فصل مشترک میان ادبیات و میراث فرهنگی

رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، «سیمین دانشور» را فصل مشترک بین وجه ادبی و میراث فرهنگی دانست و گفت: دانشور تنها کسی بود که تاریخ هنر ایران را به خوبی می‌شناخت و تدریس می‌کرد.

به گزارش ایسنا، سید محمد بهشتی که شنبه شب (نهم

از دییشت) در مراسم نکوداشت سیمین دانشور در

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری می‌گفت، ریشه

اظهار کرد: اگر چه مرحوم دانشور در جامعه ایران بیشتر

به عنوان یک نویسنده شناخته می‌شود، اما واقعیت این

است که او در بین جامعه میراث فرهنگی به عنوان یک

دانش‌پژو و شاس و معلم تاریخ هنر مور توجه قرار دارد.

وی با اشاره به دو جو ممتاز سیمین دانشور گفت: این

اتفاقی نیست که سیمین دانشور در عالم ادبیات داستانی

با کتابی چون «سووشون» در صدر نشسته است و جایگاهی

ممتاز دارد، این در حالی است که او در طول عمر خود چند

رمان بیشتر ننوشت.

بهشتی با اشاره به این که در عالم باستان شناسی نیز در

حوزه تاریخ هنر ایران، مرحوم سیمین دانشور بر قله نشسته

است